

ظرافتهای اخلاقی کار

غلامرضا علیمحمدی

و از دانش آموز تا رزمنده میدان برد. همه و همه، انگیزه‌شان خدا و هدفشان خدا و همه کار را برای خدا انجام دهند.

الف - کار و فعالیت با انگیزه خدا، عبادت است

انسانی اگر چه تلاش و کار می‌کند، در مقابل مزد دریافت می‌نماید، اما اگر همین موظف خود را که به نحو احسن انجام می‌دهد تحت عنوان الهی، نیت نموده و بخوبی به تعهداتش عمل نماید و به‌عنوان یک انسان، آنچنان در پیشگاه الهی محبوب و قرب و منزلت دارد، که برایش حسنه در نظر گرفته و این نوع کار خود عبادت به حساب می‌آید. در معارف اسلامی، خدمت به بندگان خدا، عبادت و از نماز و روزه استجابی برتر است. در احادیث آمده است که به رسول اکرم (ص) خبر دادند

(۵۸۸) (آنکه فقیر مسلمانی را سبک کند، بحقیقت که حق خود را سبک شمرده است).

اسلام دستور می‌دهد که برای غیر مسلمین نیز خیر خواه باشید. «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (برای مردم خیر خواهی کنید و آنچه خیر است بگوئید).

حضرت علی (ع) به مالک اشتر دستور می‌دهد که به مردم محبت و نیکی کن و چون درنده‌ای مباش که خوردن آنها را غنیمت شماری، زیرا اینها یا برادر تو در دین و یا مانند و شبیه تو در خلقت می‌باشند.

اسلام بر طبق سبک و روش خودش که به همه امور ریشه‌ای می‌پردازد در این زمینه هم فوق‌العاده عنایت نموده و متولیان سعی کرده‌اند که در پرورش انسانهای الهی، انگیزه را الهی سازند و چنان انسانی بسازند که از کارگر تا رهبر

در جهان بینی اسلامی، اصل انسان است و همه چیز باید در خدمت او و برای تعالی او باشد. همه چیز برای او آفریده شده و باید مسخر او گردد، حتی فرشتگان در خدمت انسان هستند و در جهت رشد و کمال او به امر خدای متعال، عوامل طبیعت را هماهنگ می‌کنند.

در منش اسلامی همه ابزارها در خدمت انسان است و انسان را به شکل ابزار درآوردن برخلاف دستورات آن است.

کار کردن انسان باید طوری باشد که به سجایای اخلاقی و شرافت انسانی او صدمه وارد نکند. از نظر اسلام، اهانت به یک مسلمان و خوار کردن وی مانند اهانت به خداست.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «مَنْ اسْتَحْفَ بِفَقِيرٍ مُسْلِمٍ فَقَدْ اسْتَحْفَ بِحَقِّ اللَّهِ...» (رسائل / ج ۸ / ص

فلانی همه کارها را رها کرده و به عبادت پرداخته است، حضرت پرسید: پس زندگی او چگونه تأمین می‌شود؟ پاسخ گفتند: دوستان او را اداره می‌کنند! حضرت فرمود: ثواب عبادات او از آن کسانی است که او را اداره می‌کنند.

طبق معارف قرآن، حیات بخشیدن به یک انسان و یافتن یک نیروی انسانی که بتواند در خدمت جامعه تلاش کند، مانند زنده کردن یک جامعه است.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَلَا تَمُوتُ أَحْيَاهُ النَّاسُ جَمْعِيًّا».

در محیط کار است که شایستگی و کارایی انسانها شناخته می‌شود. محیط کار می‌تواند یک میدان برای کشف انسانها باشد و یک کانون برای پرورش افراد لایق و کاردانا فنی.

پیامبر اسلام (ص) فرمود: هرکس کاری را بعهده می‌گیرد باید بخوبی آنرا انجام دهد و حضرت علی (ع) فرمود: «الْعَمَلُ شُعَارِ الْمُؤْمِنِ» کا رو عمل در رأس برنامه مؤمن قرار دارد.

دست‌یابی به استقلال و عزت و عظمت مرهون تلاش و کوشش در هر سنگر است.

بانوی ویتنامی درحالی‌که بچه را بدوش بسته بود و مشغول برنج‌کاری بود، می‌گفت: «من دارم با آمریکا مبارزه می‌کنم».

کسی که با انگیزه و نیت تأمین اقتصادی کشور کار می‌کند، کار او جهاد است و آنکه برای ایجاد و حفظ عقیده صحیح و درست یک ملت تلاش می‌کند کار او جهاد و بالاتر از جهاد است و آنکه برای تبلیغ صحیح و بیدار و روشن کردن مردم درس می‌خواند، می‌گوید، می‌نویسد، کار او هم جهاد است.

جامعه‌ای که از جهت اقتصادی (و همچنین است سایر جهات) به دیگران نیازمند باشد. آن جامعه اسیر دیگران است و کسی که برای رفع این نیاز و نجات از این اسارت زحمت می‌کشد، تلاشگر در راه آزادی است و بدون تردید هر تلاشی برای آزادی و نجات،

تکُنْ آمیرُ». (بحار، ج ۷۷، ص ۴۲۱). ترجمه: (به هر کس که خواهی نیازمند باشی اسیر او خواهی بود) پس اگر می‌خواهی اسیر نباشی سعی کن محتاج نباشی و بی‌نیاز باشی» و از هرکس که می‌خواهی بی‌نیاز باش، که در این صورت نظیر و مثل او خواهی بود در روزی که شما از دیگران بی‌نیاز شدید کمتر از آنها نبوده و در آن جهت مثل آنها خواهید بود» و به هرکس که خواهی بیخش و احسان کن که در آن صورت امیر او خواهی بود).

طبق این رهنمود: اول بکوش که اسیر نباشی دوم بکوش که امیر باشی. به کارکنان هر کارخانه و موسسه و دست‌اندرکار هر وظیفه اجتماعی باید این مطلب تفهیم گردد که اجتماع در نیروی علمی و دماغی او که فعلاً مشغول کار است حق دارد. هر فرد در قوای جسمی و روحی خود مدیون اجتماع است. آن قوا و نیروها تنها مال خود او نیست، این جامعه است که او را پرورش داده، هزاران عامل دست به کار

و بقول شعر:

برو شیر درنده باش ای ذفل
نه خود را بسیفکن چو روباه شل
چنان سعی کن کز تو مانند چو شیر
چه باشی چو روباه و امانده پیر

شده‌اند تا غذا و مسکن و پوشاک و بهداشت و امنیت و سلامت و دانش و... او را تأمین کرده‌اند. هر عضوی از بیکر اجتماع از مزایای آن اجتماع

یکنوع جهاد است.
حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «اجتَحِ إِلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ اسِيرًا وَ اسْتَغْنِ عَمَّنْ شِئْتَ نَكُنْ نَظِيرًا وَ أَفْضَلُ عَلَيَّ مَنْ شِئْتَ

یک جامعه ترقی خواه و در حال تکامل که می‌خواهد در همه جبهه‌ها با دشمنان بجنگد و همه موانع و سدهای راه رشد و تعالی را بشکند، باید بداند که

بهره‌مند است.

و اصل عدالت که هیچ عاملی در لزوم رعایت آن شک ندارد حکم می‌کند که حق جامعه خود را ادا نماید، البته نه مجاناً، بلکه دارای حق اجتماع به این است که:

هرکس در مقابل حقوقی که از جامعه دریافت می‌کند کار محوله به خود را درست انجام دهد. در اسلام هرگونه فکر و خدعه و نیرنگ و خیانت و غش، نسبت به مسلمان حرام است و مسلمان نباید مرتکب شود.

■ در محیط کار است که شایستگی و کارآیی انسانها شناخته می‌شود. محیط کار می‌تواند یک میدان برای کشف انسانها باشد و یک کانون برای پرورش افراد لایق و کارداناان فنی.

پیامبر اسلام(ص) فرمودند: هرکس مسلمان است پس مکر و خدعه نوزد، زیرا شنیدیم که پیک وحی (جبرئیل) می‌گفت: حتماً و تحقیقاً مکر و خدعه در دوزخ است. سپس پیامبر گرامی فرمود: از ما (مسلمانان) نیست هرکس نسبت به مسلمانی غش ورزد، و از ما نیست هرکس به مسلمانی خیانت کند...» (وسائل رج ۸ ص ۵۷۰).

و نیز در اسلام سفارشات زیادی شده که با مردم، از روی انصاف رفتار

کنید، یعنی با هرکس طوری رفتار کنید که دوست می‌دارید همانگونه با شما رفتار کنند. «وسائل رج ۱۱ ص ۲۲۸-۲۲۴».

اسلام به پیروان خود دستور می‌دهد: «کسانی که برای فراگرفتن علوم اسلامی مهاجرت کنند پس از فراگیری باید بازگردند و به جمعیت و قوم خود خدمت کنند». «س توبه/ آیه ۱۲۲» هر دانشمند و متخصص که با سرمایه و امکانات ملت خود به کسب دانش و معلومات می‌پردازد، برطبق عدالت باید در خدمت ملت و کشور خودش باشد.

ب- معاشرت و روابط حسنه

معاشرت و روابط حسنه، سبب صفا و صمیمیت بین افراد و محیط کار می‌گردد.

در زندگی اجتماعی انسانها، آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد، وجود روابط حسنه و صمیمیت بین افراد است. بزرگترین مشکل جهان امروز، مشکل آب و نان نیست، بلکه مشکل روابط دوستانه و با اطمینان بین افراد و اجتماعات است.

این مشکل، هم گریبانگیر کشورها است که با سایر کشورها چگونه رابطه‌ای داشته باشند و هم گریبانگیر افراد که با سایرین چگونه معاشرت کنند.

جمله (همزیستی مسالمت‌آمیز) هم متأسفانه دردی را دوا نکرده و بجز در سخنرانیها و مقالات این و آن، اثری از آن دیده نمی‌شود.

هر روز در گوشه‌های مختلف جهان، آتش جنگ شعله‌ور و گروهی از افراد بشر را به کام مرگ فرو می‌برد و خانواده‌هایی را پریشان و بی‌سروسامان می‌کند.

اختلافات و منازعات کوچک که میان مردم یک شهر و یک محله و گاه بین افراد یک خانواده پدید می‌آید، همه نشانه‌هایی از این مشکل هستند. حقیقت مطلب آن است که تا روابط انسانها با یکدیگر بر پایه ایمان و معنویات نباشد، این مشکل لاینحل خواهد ماند و هیچ داروئی این درد را درمان نخواهد کرد.

اسلام که یک آئین الهی و آسمانی است، برای حل این مشکل به تربیت افراد، توجه نموده و پایه این تربیت را نیز براساس ایمان به خدا و تقویت روح فضیلت و انسانیت بنیانگذاری کرده است. پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «با مردم طوری معاشرت کنید که تا زنده‌اید شما را دوست بدارند و به شما رو آورند و چون از دنیا رفتید، بر شما گریه کنند». همانطور که قبلاً اشاره گردید، چگونه انسان با انگیزه الهی، اگر کار و فعالیت نماید، عبادت به حساب می‌آید، چه خوب است آن نیت پاک را

در معاشرت و رفتار پسندیده در محیط کار، استفاده نموده و با ایجاد ارتباط همدلی، درخشندگی خاصی به آن مجموعه داده و سبب اطمینان و اعتماد گردیده و لذا همیشه نبودش یک نوع خلاء به حساب می‌آید.

دستورات اسلام در این باره به حدی اذیق و عمیق است که اگر افراد بشر آنرا به کار بندند سیمای زندگی و کار آنان درخشان و معاشرت‌ها و برخوردها رنگ انسانی به خود خواهد گرفت.

اسلام، در درجه اول کوشیده است مردم را با این واقعیت آشنا سازد که همه فرزندان یک پدر و یک مادرند و کسی را بر کسی امتیازی نیست و تنها چیزی که می‌تواند موجب برتری فرد یا اجتماعی شود، داشتن ایمان و تقوی و علم و دانش است.

خداوند کریم در کتاب آسمانی قرآن مجید، می‌فرماید:

«يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (س مجادله/ آیه ۱۱) یعنی: (خداوند، کسانی را که ایمان دارند و دارای علم و دانش هستند، به درجات ارجمندی مفتخر می‌دارد).

بنابراین بکشیم با معاشرت و ایجاد روابط حسنه با یکدیگر، سبب اُلفت و انس با همکاران و جلب اعتماد، کاری پسندیده و سلامت‌ارایه داده تا از مزایای بهتر و بیشتری بهره‌مند گردیده و در ضمن رشد و تعالی را هم برای خود

به همراه آورده و سبب خشنودی صاحب کار و رستگاری فرد می‌گردد.

چه بسیار مردمی هستند که دوست دارند با دیگران معاشرت و ارتباط برقرار نمایند، ولی در اثر ندانستن وظائف معاشرت و رفتار حسنه، اجباراً به گوشه‌گیری و انزوا کشانده می‌شوند و برای خود در جامعه نمی‌توانند جایی باز کنند. این نوع افراد در پیدایش کار و استمرار آن ناموفقند، مشکل را در خود نمی‌بینند، اجتماع و محیط کار را مقطر می‌دانند. اینکه در تمام شئون زندگی، از جمله کار و فعالیت، بتوان با مردم هماهنگی و رابطه دوستانه داشت، خود موضوع مهمی است.

در جامعه افرادی را می‌شناسیم که محبوبیت فوق‌العاده دارند و هر جا قدم می‌گذارند، مردم تمایل و علاقه قلبی خود را به آنان ابراز می‌دارند. (زیرا می‌بینیم که جاذبه دارند و انگیزه الهی را بر نفسانیات مقدم شمرده لذا سبب ارتباط پسندیده و معاشرت نیکو می‌گردد).

اما گروه دیگری را می‌بینیم که کسی به آنها توجه نمی‌کند و مورد علاقه مردم نیستند (زیرا خود را از همه برتر می‌دانند و حاضر به ایجاد ارتباط و جذب افراد نیستند و انتظار دارند دیگران به سویشان بیایند) قطعاً این‌گونه رفتار موفقیت‌آمیز نمی‌باشد و سبب انزوا می‌گردد.

روانشناسان معتقدند که اخلاق و رفتار و صفات اشخاص، سبب محبوبیت یا عدم محبوبیت آنان می‌باشد. این خود اشخاص هستند که باید خود را با روشهای صحیح بسازند و در معاشرت با دیگران وظائف خویش را انجام دهند تا از دوستی و محبت مردم برخوردار شوند و نیز در محیط کار و سازندگی، جو تفاهم و صمیمت برقرار نموده تا سبب موفقیت و برتری کار را کسب نماید، که خود درسی ارزنده و آموزنده برای دیگران به حساب می‌آید.

ج - احترام به شخصیت مردم

یکی از نکات مهم در آئین معاشرت و همزیستی، احترام به شخصیت مردم است که در دستورات اسلامی مورد توجه قرار داده شده و رهبران عالیقدر اسلام شدیداً آن را اجرا می‌کردند. پیغمبر اکرم (ص) در احترام به مردم و مراعات شخصیت افراد، به جزئی‌ترین امور توجه داشت و از کوچکترین وظیفه، خودداری نمی‌کرد.

«كَانَ (ص) يَكْرُمُ مَنْ يَدْخُلُ عَلَيْهِ حَتَّى رُبَمَا بَسَطَ ثَوْبَهُ وَ يُؤْتِرُ الدَّاخِلَ بِالسَّادَةِ الَّتِي تَحْتَهُ» (بحار، ج ۶)

یعنی: (هرکس بر رسول گرامی اسلام وارد می‌شد، آن حضرت به او احترام می‌گذاشت و چه بسا عبای خود

را بجای فرش، زیرپای او می‌گسترانید و بالشی که خود به آن تکیه داشت به وی می‌داد).

در روایت داریم روزی پیامبر اسلام(ص) تنها در مسجد نشسته بود، شخصی وارد شد و به جانب آن حضرت آمد، پیغمبر از جای برخاست و قدری عقب رفت و جای خود را به او داد عرض کرد یا رسول‌الله مسجد جای خالی و جا وسیع است چرا قدمی به عقب رفتید؟ فرمود از حقوق مسلمان بر مسلمان آن است که وقتی خواست نزد او بشیند، قدمی به عقب برود و برای او حریم قائل شود. (بحار، ج ۶)

■ کسی که با انگیزه و نیت تأمین اقتصادی کشور کار می‌کند، کار او جهاد است و آنکه برای ایجاد و حفظ عقیده صحیح و درست یک ملت تلاش می‌کند کار او جهاد و بالاتر از جهاد است.

در این زمینه موارد زیاد نسبت به رعایت شخصیت افراد، درباره آسوه تواضع فروتنی پیامبر مکرم اسلام(ص) سخن به میان آمده است. لذا از جنبه تبرک و سرمشق چند مورد یادآوری گردید.

ما باید با شناخت و معرفت حقیقی از زندگی سراسر درس و الگوی آن حضرت، گوش جان سپرده و مواعظ و

پندهای حکیمانانه آن بزرگوار (که ابتدا خود عامل به آن گفتار بود) را سرلوحه کار خود قرار دهیم، که قطعاً فلاح و رستگاری به دنبال خواهد داشت.

اما با کمال تأسف در عصر حاضر خودمان تفاوت‌های زاید و فاحشی در برخوردها و نشست و برخاست‌هایمان هویدا و آشکار است که جای بسی تأمل است. البته اشتباه نشود. در این که یکسری مواردی مدون و با نظم و ترتیب خاصی، جهت بهتر ارزیابی دادن کارها، پایه‌ریزی گردیده که خیلی هم خوب و بجاست. به عنوان مثال در یک مجموعه اداری، باید جایگاه مسئول و حوزه ریاست مشخص باشد، همینطور معاون و مدیران و زیرمجموعه آنها، با توجه به مسئولیت و تعهدی که دارند، هرکدام در مکان و جایگاه موظفی خود قرار گرفته تا نسبت به جوابگویی ارباب رجوع، کارها و مسئولیتها به سهولت و نظم خودش صورت بگیرد.

موضوع بحث ما جدای از مسایل حقوقی افراد، رعایت اصول اخلاق نسبت به حقیقت آنهاست، زیرا هرکسی در هر مرتبه‌ای که قرار داشته باشد، شخصیت معنوی او، محترم می‌باشد، بر همه ما فرض است که احترام بگذاریم، که با بها دادن و ارزش قائل شدن به افراد و زیرمجموعه و هم مرتبه، اثر مفید و شایانی در محیط کار و فعالیت می‌گذارد، ضمن اینکه طرف

مقابل هم با این رفتار پسندیده، مجذوب شما می‌شود و سعی می‌کند رفتار و کردار خود را (اگر به شکل دیگری بوده) عوض نموده و مطابق عملکرد شما، پاسخ دهد.

ارسطو می‌گوید: برای بقای دوستی باید دوستان، فضیلت و ارزش یکدیگر را بشناسند و آن را به دیده احترام بنگرند.

دو دوست یا دو همکار اگر فضائل و ارزش یکدیگر را نشناسند و برای آن احترام قائل نشوند چگونه می‌توانند دم از صمیمت زده و شایسته دوستی باشند؟

بنابر آنچه ذکر شد یکی از مهمترین رموز موفقیت در زندگی اجتماعی از نظر اسلام، احترام به شخصیت مردم و اداء ادب نسبت به همگان است. خواه در محل کار یا در داد و ستد با مردم باشد.

د- ملایمت و مهربانی با مردم

یکی از دستورات مهم اجتماعی اسلام، ملایمت و مهربانی با مردم است.

قرآن کریم در باره اخلاق خاتم‌الانبیاء محمد مصطفی(ص) چنین می‌فرماید:

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا عَلِيظَ الْقَلْبِ لَا يَفْغَلُوا مِنْ حَوْلِكَ.

«س آل عمران / آیه ۱۵۹»

ترجمه: (ای رسول خدا، از رحمت و عنایت خداوند بود که تو نسبت به مردم ملایم و مهربان شدی و اگر شخص تند و خشن و سخت دل بودی، مردم از اطراف تو پراکنده می شدند).
در این آیه شریفه تصریح شده است که مهربانی و ملایمت رسول خدا(ص) یکی از علل توجه مردم به آن حضرت بود و بدون تردید این صفت در هر کس باشد، دلها به سویش متمایل خواهد گشت.

معمولاً مردم از اشخاص خشن و تند بیزارند و چنین افرادی محکوم به گوشه گیری و انزوا هستند. لذا در معاشرتها، رفت و آمدها و برخوردها، لغزشهایی از مردم سر می زند یا برخلاف میل انسان عملی انجام می دهند، در این گونه موارد است که سید چشم پوشی و گذشت، قدم به میدان گذارد و از خشونتها و تندبها جلوگیری کند.

از امام ششم حضرت صادق(ع) پرسیدند: حدود حسن خلق کدام است؟ فرمود: ملایمت و مهربانی کردن، سخن خوب و پاکیزه گفتن و با برادران دینی با چهره گشاده روبرو شدن.

زود خشمگین شدن و شراره های غضب را بر مردم فرو ریختن سبب ناکامی در زندگانی اجتماعی و گریزان شدن دوستان می باشد. درست است که به حکم غرائز سرکش، انسان میل دارد در مقابل کز رفتاریها و لغزشهای

دیگران آنها را بکوبد و کیفر کردارشان را بدهد. ولی عقل می گوید این روش غلط است و نتیجه ای که انتظار آن را داری بدست نخواهی آورد.

تنبیه و اصلاح دیگران، از طریق خشونت و تندی امکان پذیر نیست و اگر راهی برای این کار باشد، همان است که قرآن پیشنهاد فرموده و رهبران اسلام نیز توصیه نموده اند و از آن طریق ملایمت و مهربانی با مردم و ارشاد آنان با سخنان خوب و روشهای محبت آمیز است.

دیل کارنگی می گوید: «اگر خشتمان برانگیخته شده باشد و سخنان غضب آلود بر زبان آورید به علت اینکه احساسات خشم آلود خود را خالی کرده اید، احساس آرامش خواهید کرد، ولی طرف مقابل شما چطور؟ آیا او هم از لذتی که در این کار می برید برخوردار می شود؟ آیا لحن کینه توزانه و روش خصمانه شما کار را برای او ساده خواهد کرد که با شما همداستان گردد؟

ودرو ویلسون می گوید: اگر شما با مشت گره کرده به نزد من بیائید، من به شما قول می دهم مشتتم را به همان سرعت گره کنم. ولی اگر نزد من بیائید و بگوئید با ما هم بنشینیم و مشورت کنیم و اگر اختلافی با هم داریم معلوم نماییم که چرا این اختلاف نظر پیدا شد و موارد اختلاف عیناً کدام است به زودی در خواهیم یافت که زیاد با هم اختلاف نداریم و موارد اختلاف بسیار جزئی و ناسچیز بوده و در اکثر موارد با هم

موافقیم، فقط به کمک حوصله، خلوص و صفا و میل توافق کردن، قادریم با هم توافق کنیم». «آئین دوست یابی»

با بیانی که از قرآن، کلام الهی، سخنان حکیمانۀ پیامبر اکرم(ص) و نظر کارشناسانه دانشمندان و صاحب نظران، به میان آمد، نتیجه می گیریم، که تندی را با تندی جواب نمی دهند مخصوصاً در موارد اخلاقی و تربیتی، مقبول نمی افتد، فقط با ملایمت و حوصله و به کار انداختن عقل سلیم، نتیجه سودمند حاصل می گردد.

تجربه به ما درس داده است که افراد ملایم و صبور و مهربان، بازار گرمتری داشته و نسبت به ناملایمات و کاستی ها (که امری طبیعی برای همه بوده) در محیط خانواده و چه در محل کار و اجتماعی برایشان بُروز می دهد، مشکل را خیلی زود و آسانتر حل می نمایند و با آن خصیصه خوب و پسندیده، افراد را جذب نموده و خواهان زیادتری دارند و حال و روزگار خوب و آرامی بدست می آورند و به افراد و محیط خانواده هم سرایت می کند و با گرمی و لطافت خاصی به زندگی و زندگانی حیات می بخشند.

برعکس، افراد تندخوی و خشن، نه تنها آرامش راز خود گرفته، بلکه باعث سلب آسایش دیگران می شد، چنین افرادی هرگز نمی توانند در جامعه جای پای باز کنند و هرچه تلاش و کوشش نمایند، چون تنها و منزوی هستند، موفق نیستند، مگر درمان درد نمایند.